

فهرست مطالب



الف) مقدمه.....	۱۱
ب) تعریف موضوع و بیان مسئله.....	۱۵
ج) ضرورت، اهمیت و فایده تحقیق.....	۱۵
د) اهداف تحقیق.....	۱۷
ر) سؤالات و فرضیه‌های تحقیق.....	۱۷
ز) قلمرو پژوهش (از نظر موضوعی، زمانی و مکانی).....	۱۸
س) چارچوب نظری تحقیق.....	۱۸
ص) پیشینه تحقیق.....	۱۹
ن) روش تحقیق.....	۲۵

فصل اول: کلیات و مفاهیم..... ۲۷

گفتار اول: تعریف مسئولیت مدنی.....	۲۷
گفتار دوم: تعریف مسئولیت قراردادی.....	۲۹
گفتار سوم: وجوه افتراق مسئولیت مدنی و مسئولیت قراردادی.....	۳۱
گفتار چهارم: مبانی نظری مسئولیت مدنی.....	۳۲
۱- نظریه تقصیر.....	۳۳
۲- نظریه خطر.....	۳۸
۳- نظریه تضمین حق.....	۳۹
۴- نظریه‌های مختلط.....	۳۹
۵- نظریه مختار در خصوص مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی.....	۴۰
گفتار پنجم: انواع مسئولیت مدنی.....	۴۷

- ۱- مسئولیت مدنی شخصی..... ۴۷
- ۲- مسئولیت ناشی از فعل غیر..... ۵۳
- ۳- مسئولیت مدنی ویژه..... ۵۴
- گفتار هشتم: مامورین پلیس..... ۵۵
- گفتار هفتم: ضابطین دادگستری..... ۵۷
- ۱- ضابطان عام..... ۷۸
- ۲- ضابطان خاص..... ۷۹
- گفتار هشتم: مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی با توجه به انواع مسئولیت مدنی..... ۸۱
- بند اول: مسئولیت مدنی ناشی از دستگیری غیرمجاز..... ۸۳
- بند دوم: مسئولیت مدنی ناشی از تعقیب و گریز..... ۸۹
- بند سوم: مسئولیت مدنی ناشی از تیراندازی..... ۹۱
- بند چهارم: مسئولیت مدنی ناشی از شکنجه..... ۱۰۸
- بند پنجم: مسئولیت مدنی ناشی از توقیف اموال اشخاص..... ۱۰۹
- بند ششم: مسئولیت مدنی ناشی از تقصیر در اجرای احکام مدنی..... ۱۲۱

فصل دوم: ارکان و شرایط مسئولیت پرسنل نیروی انتظامی به عنوان مسئولیت مدنی شخصی..... ۱۲۳

- گفتار اول: ارکان تحقق مسئولیت..... ۱۲۳
- ۱- فعل زیانبار..... ۱۲۳
- ۲- ضرر یا خسارت..... ۱۲۹
- ۳- رابطه سببیت..... ۱۳۸
- گفتار دوم: انتخاب سبب یا اسباب مسئول..... ۱۴۸
- ۱- نظریه برابری اسباب..... ۱۴۸
- ۲- نظریه سبب مقدم در تأثیر..... ۱۴۹
- ۳- نظریه سبب نزدیک..... ۱۴۹
- ۴- نظریه سبب اقوی..... ۱۵۰
- ۵- نظریه سبب متعارف..... ۱۵۱
- ۶- نظریه مختار..... ۱۵۲
- گفتار سوم: نحوه تقسیم خسارت بین اسباب مسئول..... ۱۵۳
- ۱- مسئولیت تضامنی..... ۱۵۳

- ۲- مسئولیت بالمناصفه..... ۱۵۴
- ۳- مسئولیت به نسبت درجه تقصیر..... ۱۵۴

فصل سوم: موانع و معافیت از مسئولیت پرسنل نیروی انتظامی و شیوه‌های جبران خسارت..... ۱۵۷

- گفتار اول: موارد و موانعی که منجر به قطع رابطه سببیت می‌شود..... ۱۵۷
۱. قاعده تحذیر..... ۱۵۷
۲. اضطراب..... ۱۵۸
۳. پذیرش خطر توسط زیان‌دیده..... ۱۶۱
۴. فعل شخص ثالث..... ۱۶۲
- ۵- فعل زیان‌دیده..... ۱۶۳
- ۶- تقصیر مشترک زیان‌دیده..... ۱۶۶
- گفتار دوم: مواردی که کیفیت عمل زیان‌بار موجب معافیت می‌شود..... ۱۶۹
۱. اعمال حاکمیت..... ۱۶۹
۲. اجرای دستورات قضایی اشتباه یا نادرست..... ۱۷۰
- ۳- حکم قانون و امر آمر قانونی..... ۱۷۰
۴. دفاع مشروع..... ۱۷۹
- ۵- قاعده احسان..... ۱۸۳
- گفتار دوم: شیوه‌های جبران خسارت..... ۱۸۸
- ۱- جبران خسارت به وسیله پرسنل نیروی انتظامی..... ۱۹۰
- ۲- جبران خسارت به وسیله شرکت‌های بیمه..... ۱۹۵
- ۳- جبران خسارت به وسیله عاقله..... ۲۰۰
- ۴- جبران خسارت به وسیله دولت..... ۲۰۲
- گفتار سوم: اثر قراردادهای خصوصی و شروط در مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی..... ۲۱۵

فصل چهارم: دلایل افزایش خسارات وارده توسط پرسنل نیروی انتظامی در استان فارس..... ۲۱۷

- گفتار اول: نقص قوانین موجود..... ۲۱۹
- گفتار دوم: عدم آموزش کافی..... ۲۳۴
- گفتار سوم: کمبود امکانات..... ۲۴۳
- گفتار چهارم: تعدد وظایف پرسنل نیروی انتظامی..... ۲۴۴

- گفتار پنجم: پهناور بودن استان فارس و کمبود نیرو..... ۲۴۵
- گفتار ششم: ارائه راهکار..... ۲۵۳
- ۱- بیمه مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی:..... ۲۵۳
- ۲- اصلاح قوانین و مقررات:..... ۲۵۶
- ۳- آموزش پرسنل توسط کارشناسان از جمله اساتید حقوق:..... ۲۵۷
- نتیجه گیری..... ۲۶۷
- منابع و مأخذ..... ۲۷۵
- فارسی..... ۲۷۵
- عربی..... ۲۷۹
- انگلیسی..... ۲۸۰

الف) مقدمه

مسئولیت، مصدر جعلی از واژه مسئول است که به یک اعتبار به معنای تعهد قانونی بر رفع ضرری است که به دیگری وارد شده است خواه این ضرر ناشی از تقصیر خود وی باشد یا ناشی از فعالیت او، البته در همین معنی در فقه ضمان را به کار برده‌اند و معنی آن هر نوع مسئولیتی است اعم از مالی یا کیفری. به عبارت دیگر تعهد پرداخت یا جبران خسارت اعم از آنکه به موجب قانون باشد یا بر حسب قرارداد، مسئولیت نامیده می‌شود. روشن است که مسئولیت پرسنل نیروی انتظامی ذیل عنوان اول تحت عنوان ضمان قانونی قرار می‌گیرد.

برای ایجاد مسئولیت مدنی (ضمان قهری) اسباب و عواملی وجود دارد که از آنها به عنوان موجبات ضمان قهری یاد می‌شود. موجبات ضمان قهری عبارتند از: ضمان ید، غرور، اتلاف، تسبیب، تعدی و تفریط، ضمان معاوضی (تلف مبیع قبل از قبض) و مقبوض به عقد فاسد. علاوه بر این برای جلوگیری از ایجاد مسئولیت مدنی و سقوط ضمان قهری برای کسی که شرایط ضمان فراهم آمده باشد اسباب و مواردی است که از آنها به مسقطات ضمان قهری تعبیر می‌گردد.

مسقطات ضمان قهری عبارتند از: قاعده احسان، قاعده استیمان، قاعده اقدام، قاعده اذن، و قاعده جب. به عبارت دیگر مسقطات ضمان قهری را می‌توان در قالب پنج قاعده فقهی بررسی نمود. در هر حال باید توجه داشت هرچند در اندیشه فقها و متون فقهی ضمان در معنای کلی هم مسئولیت مدنی و هم مسئولیت کیفری را شامل می‌شود اما میان این دو نوع مسئولیت به لحاظ گزاره‌های قانونی چه به لحاظ ماهیت و چه به لحاظ آثار و پیامد، جدایی است حتی هدف از ایجاد این دو مسئولیت نیز یکسان نمی‌باشد. در حقوق جزا چون مجرم به کاری دست زده است که از جهت نظم عمومی تحمل‌ناپذیر می‌نماید، جامعه بدین سان از خود دفاع می‌کند و متجاوز را به کیفر می‌رساند. مجازات‌های اعدام حبس و تبعید به منظور جبران خسارت عمومی و تنبه سایرین و اصلاح مجرم مقرر شده است و در همه آنها حفظ منافع عموم در نظر گرفته شده است.

در مسئولیت مدنی نیز با نقشی که بیمه‌های شخصی و تأمین اجتماعی در جبران خسارت بر عهده گرفته‌اند به تدریج سهم اصلی حقوق مسئولیت در ترساندن و پیشگیری و الزام به احتیاط خلاصه می‌شود. برای نمونه می‌توان به ماده ۲۴ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و

فرهنگی مصوب ۱۳۷۹ استناد نمود که حداقل در خصوص یک مورد ویژه و خاص یعنی واگذاری سهام شرکت‌های دولتی این دغدغه را مرتفع نمود. ماده ۲۴ قانون فوق مرقوم داشته است: دولت مکلف است مسئولیت مدنی، محکومیت جزائی مالی و قابل خرید، محکومیت به جبران ضرر و زیان ناشی از جرم و هر محکومیت قابل خرید دیگر مسئولان و مجریان امر واگذاری (منظور واگذاری سهام شرکت‌های دولتی) را در قبال خطاهای غیرعمدی آنان به مناسبت واگذاری چه به عنوان مسئولیت جمعی و چه به عنوان مسئولیت انفرادی به هزینه خود به گونه‌ای بیمه کند که بیمه‌گر کلیه هزینه‌ها و مخارجی را که هر یک از مسئولان و مجریان امر واگذاری تحت هر یک از عناوین موصوف ملزم به پرداخت آن می‌شوند، بپردازد. در ادامه خواهیم دید که نقش و جایگاه شرکت‌های بیمه و تأمین اجتماعی تا چه اندازه در مسئولیت و کارکرد پرسنل نیروهای انتظامی موثر است و آیا اساساً قانونگذار در این خصوص اهتمام لازم را داشته است.

در حقیقت در هر موردی که شخص ناگزیر به جبران خسارت دیگری باشد می‌گویند در برابر او مسئولیت مدنی دارد. لازمه داشتن مسئولیت اختیار است. انسان آزاد و عاقل از پیامد کارهای خویش آگاه و مسئول آن است. خسارت به عنوان عنصر اصلی مسئولیت مدنی موقعی مورد پیدا می‌کند که توسط دیگری به شخصی وارد شده باشد به همین دلیل کسی که اتومبیل خود را آتش زده اگر چه از نظر اقتصادی خسارت دیده است لیکن از نظر حقوقی زیان حاصله خسارت محسوب نمی‌شود.

پس از بررسی مفهوم مسئولیت و شناخت زیان و ضررهای که در زیر این عنوان جای می‌گیرد بی‌درنگ این پرسش مطرح می‌شود کدام قانون و مقرره مستندی است تا محاکم پرسنل نیروی انتظامی را در مقابل رفتار و کردار زیان‌آور خویش مسئول بدانند، علت این همه تراکم و انبوهی از پرونده‌ها که همه روزه، علیه پرسنل زحمت‌کش نیروی انتظامی تشکیل می‌شود چیست. آیا باید علت را در قانون جست یا در مجریان قانون. کدام یک را باید دنبال کرد و کدام را فرو گذاشت.

از همین رو در این پایان‌نامه بایسته است در کنار سایر موضوعات، مختصری نیز به این موضوع پرداخته شود در ابتدا جهت ورود به بحث، ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ باید مورد بررسی قرار گیرد. صدر ماده فوق مذکور بیان داشته: کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنان که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند ولی هرگاه خسارت وارده

مستند به عمل آنان نبوده بلکه مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، جبران خسارت بر عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است.

واژه کارمندان دولت در صدر ماده فوق ترکیب اضافی است که به صورت جمع به کار رفته است و حسب ظاهر شامل کلیه اشخاص حقیقی که در دستگاه دولت به عنوان بارزترین فرد شخص حقوقی در حقوق عمومی و به معنی اعم از قوه قضائیه، مجریه و مقننه و مؤسسات وابسته به دولت به کار مشغولند، می‌گردد. هر چند آنچه که در بدو امر از واژه کارمند به ذهن متبادری می‌شود کارمند رسمی دولت است ولی چون کلمه کارمند به صورت مطلق به کار رفته و مقید به قید و وصفی نگردیده و علی‌الظاهر اشخاصی را که به صورت گوناگون و تحت شمول کلیه قوانین و مقررات استخدامی در خدمت دولت هستند اعم از روز مزد، پیمانی و غیره را در بر می‌گیرد و همچنین گذشته از کارمندان دولت این ماده کارکنان شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته را که یکی از انواع مؤسسات عمومی است نیز شامل می‌شود. به نظر برخی حقوقدانان اگر عبارت کارمندان دولت را شامل کلیه کسانی که تحت شمول قانون استخدام کشوری و سایر قوانین استخدامی از جمله قانون استخدام قضات بدانیم، کلیه مستخدمین دولت از جمله قضات و نیروی انتظامی در صورتی که به سبب انجام وظیفه و در اثر تقصیر خود اعم از عمد و بی‌احتیاطی، خسارتی به اشخاص وارد نمایند، شخصاً مسئول جبران خسارت خواهند بود. اما آنچه در این ماده و ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی قابل تأمل است، کاربرد واژه بی‌احتیاطی در برابر عمد است. زیرا تقصیر اعم از عمد و خطاست. عناصر خطا نیز عبارتند از بی‌احتیاطی، بی‌مبالاتی و غفلت، بی‌دقتی، عدم رعایت مقررات دولتی و عدم مهارت.

به عبارت دیگر عناصر مشخص خطا از این موارد تشکیل می‌گردد که این عناصر از انواع مشخص و متمایز و مستقل خطا بوده و گروه خطاهای قانونی را بدون اینکه با یکدیگر مشتبه شوند، تشکیل می‌دهند.

حال اگر بنا به ظاهر مواد گفته شده، مبانی تقصیر را شامل عمد و بی‌احتیاطی تلقی کنیم. این امر صرف نظر کردن از بقیه عناصر خطا خواهد بود. مثلاً اگر مأموری در انجام وظایف محوله بی‌احتیاطی کند فرضاً ماشین دولتی را در جاده لغزنده و یخبندان بدون استفاده از زنجیر چرخ و سایر وسایل ایمنی به حرکت در آورد و نهایتاً در اثر بی‌احتیاطی به شخص دیگری و خود ماشین صدمه وارد آید، مأمور مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود.^۱

^۱ - جهت مطالعه بیشتر رجوع کنید به: عباسلو، بختیار، مسئولیت مدنی، انتشارات میزان، تهران، چاپ دوم، ۱۳۹۴. و عباسلو، بختیار، مسئولیت مدنی ضابطین دادگستری، فصلنامه دانش انتظامی، تابستان ۱۳۸۹، دوره ۱۲، شماره ۲.

اما اگر رعایت مقررات راهنمایی و رانندگی را ننموده (عدم رعایت نظامات و مقررات دولتی) و یا بی‌مبالاتی نموده و با سرعت غیرمجاز و در محل‌های ممنوعه رانندگی نموده و در نتیجه خسارتی به دیگران وارد آورد، مسئول جبران خسارت وارده نخواهد بود که البته این نتیجه غیرمنطقی را هیچ عقل سلیمی نخواهد پذیرفت بنابراین به نظر می‌رسد که قانونگذار مسامحتاً واژه بی‌احتیاطی را به جای خطا در این قانون به کار برده است یا اینکه ممکن است در ترجمه کلمه "fault" که به معنی تقصیر و خطاست، اشتباهی عارض شده و آن کلمه را در ترجمه حمل بر بی‌احتیاطی نموده باشد.

بنابراین اگر کارمند دولت در اثر تقصیر خود اعم از عمد و خطا و به مناسبت انجام وظیفه خسارتی به اشخاص وارد نماید در وهله اول خود مسئولیت جبران خسارت را بر عهده خواهد داشت. البته چون کارمندان دولت اعتبار و حقانیت خود را از دستگاه متبوع کسب می‌نمایند و به مناسبت انجام وظیفه نیز خسارت را وارد نموده‌اند، صرف مسئولیت وی مانع اقامه دعوی زیان‌دیده علیه دستگاه مربوطه نخواهد بود که این امر را هم می‌توان مشمول قاعده کلی در اصل ۳۴ قانون اساسی دانست. البته دولت با کاهش دایره و محدوده مسئولیت خود و با افزایش و به حداکثر رساندن مسئولیت کارکنان خود نوعی احتیاط و دوراندیشی را ایجاد کرده و همین امر مانع قدرت عمل و خلاقیت و ابتکار کارکنان دولت در انجام وظایف محوله می‌گردد.

بنابر آنچه گفته شده کارمندان دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به آنها (که پرسنل نیروی انتظامی نیز به نوعی جز کارمندان دولت محسوب می‌شوند زیرا مطابق ماده ۲ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۰۴/۲۷ «نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران سازمانی است مسلح در تابعیت فرماندهی کل قوا و وابسته به وزارت کشور») که به مناسبت انجام وظیفه عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی خساراتی به اشخاص وارد نمایند شخصاً مسئول جبران خسارت وارده می‌باشند ولی هرگاه خسارت وارده مستند به عمل آنها نبوده و مربوط به نقص وسایل ادارات و مؤسسات مزبور باشد، در این صورت جبران خسارت به عهده اداره یا مؤسسه مربوطه است ولی در مورد اعمال حاکمیت دولت هرگاه اقداماتی که بر حسب ضرورت برای تأمین منافع اجتماعی طبق قانون به عمل آید و موجب ضرر دیگری شود، دولت مجبور به پرداخت خسارت نخواهد بود.

ب) تعریف موضوع و بیان مسئله

بی تردید مهمترین اهداف تشکیل نیروی انتظامی، استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی در چارچوب قانون، در قلمرو کشور می باشد. نیروی انتظامی برای رسیدن به اهداف خود تکالیفی را برعهده دارد و برای تحقق آن اهداف با به خدمت گرفتن ابزار و نیروهای انسانی که در اختیار دارد، فعالیت گسترده‌ای در جامعه انجام می‌دهد. گستردگی فعالیت روزمره نیروی انتظامی و ارتباط آن با سایر سازمان‌های بزرگ، در بسیاری موارد ممکن است با تقصیر مأموران یا نقض وسایل و امکانات سازمان و در نتیجه ایراد خسارت به دیگر اشخاص حقیقی یا حقوقی همراه باشد. روشن است با پدید آمدن چنین خسارت‌های باید مسئول را شناخت و با تحقق شرایط و ارکان مسئولیت مدنی، حکم به جبران آن داد، از همین دریچه باید گفت مسئولیت پرسنل نیروی انتظامی جز موارد خاص مسئولیت مدنی است. از دیگر نمونه‌های مسئولیت‌های مدنی خاص می‌توان به مسئولیت مدنی کارفرمایان، مسئولیت مدنی قاضی و مسئولیت مدنی کارمندان دولت اشاره کرد.

در واقع در تحقیق حاضر مسأله اصلی مطروحه عبارت است از اینکه در صورتی که از انجام وظایف پرسنل نیروی انتظامی خسارتی به اشخاص وارد شود جبران این خسارت به چه نحو و بر عهده چه شخصی می‌باشد؟ همچنین برخی از کارکنان ناجا در حین انجام مأموریت و یا خارج از مأموریت، با وسیله اداری یا شخصی بر اثر تصادف دچار حادثه گشته و محکوم به پرداخت دیه، مازاد شخص ثالث، غرامت و یا مجبور به تعمیر خودرو مربوط می‌گردند و به علت ناتوانی در تأمین این مخارج مستأصل شده و دچار مشکلات عدیده‌ای می‌گردند که می‌بایست چاره‌ای اندیشیده شود.

ج) ضرورت، اهمیت و فایده تحقیق

اهمیت و فایده تحقیق حاضر به شرح ذیل می‌باشد:

علت انتخاب موضوع حاضر جهت تحقیق تحت عنوان «مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی ناشی از انجام وظایف آنها (با تأکید بر رویه قضایی) استان فارس»، ارائه تحقیقی جامع و مستند در این زمینه، با توجه به این مطلب است که مسئولیت مدنی نیروی انتظامی تاکنون در حقوق ایران به طور خاص مورد بررسی قرار نگرفته است. هر چند همگان به حساسیت و اهمیت کار نیروی پلیس اعتقاد دارند و این نیرو یکی از مهمترین ارکان حفظ نظم و امنیت در جامعه و به

عبارتی سر منشأ نظم و امنیت جامعه است. به همین دلیل بررسی مسئولیت چنین نیرویی از اهمیت فراوان برخوردار است که متأسفانه تاکنون مغفول مانده است.

بررسی قوانین موجود در زمینه مسئولیت مدنی و نیز توجه به پرونده‌ها و موارد مطرح شده در ارتباط با موضوع حاضر نشان می‌دهد تحقیقی جامع در این زمینه ضروری بوده و به اولویت، نیازمند قانونگذاری در این موضوع هستیم.

در صورتی که بخواهیم در این زمینه به قوانین موجود توجه نماییم اولین قانون، قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹/۰۲/۰۷ است، لازم به ذکر است که در این زمینه اگر قائل به نسخ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ شویم و قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ را تنها قانون مجری در این زمینه بدانیم مواجه با مشکلات عدیده در این زمینه خواهیم شد.

ماده یک قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ مذکور داشته: «هرکس بدون مجوز قانونی، عمداً یا در نتیجه بی احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد».

البته در زمینه قوانین مربوط با موضوع حاضر که به طور مفصل به آنها پرداخته می‌شود اجمالاً باید از قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۰۹ که مطابق بند ۵ ماده یک همین قانون کارکنان مشمول قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران نیز تحت شمول این قانون قرار گرفته‌اند، نام برد. علاوه بر این، قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۹/۰۴/۲۷ نیز به طور خاص در مورد نیروی انتظامی است که البته در مورد مسئولیت مدنی بحث خاصی ندارد و بیشتر بر شرح وظایف نیروی انتظامی تأکید نموده است.

البته در این زمینه قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری، مصوب ۱۳۷۳ نیز باید به دقت مورد بررسی قرار بگیرد که راجع است به مقررات راجع به تیراندازی که مأمورین نیروی انتظامی را نیز شامل می‌شود. متأسفانه در صورتی که در موردی خسارتی به هر نحو به اموال نیروی انتظامی وارد آید و بالعکس به اشخاص خارج از سازمان خسارت وارد آید و پرسنل نیروی انتظامی در آن به هر نحوی دخیل باشند، برای حل مسئله مواجه با قوانین پراکنده و مختلفی هستیم که گاه دستیابی به راه حل را مواجه با مشکل می‌گرداند. یکی از مشکلات اساسی در این زمینه این است که چگونه می‌توان و به استناد کدام قانون پرسنل وظیفه و کادر نیروی انتظامی را در یک ردیف قرار داده و در پرونده‌های مسئولیت مدنی با آنها چگونه باید برخورد نمود؟

د) اهداف تحقیق

از آنجا که هدف های پژوهش از جهت دست یافتنی و دست نیافتنی بودن برابرنند، همواره در اندرون خواست و آهنگ نویسنده می گنجد و تجلی یافتن آن گام دیگری است که باید سنجید و نشانه‌هایش را دید ولی در همین گام نخست در پژوهش حاضر به دنبال این هدف ها خواهیم بود؛ یکم) برای قانونگذار یادآوری کاستی و چالش‌های قانون موجود و پیشنهاد تصویب قانونی جامع و کامل هستیم.

دوم) برای مجریان قانون، دستگاه قضایی و سازمان‌های نیروهای مسلح یادآور استفاده نادرست و ناصحیح از امکانات موجود و قانون‌های فعلی و حاکم هستیم.

سوم) حتی‌الامکان علت و چگونگی افزایش پرونده‌های مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی را با محوریت و جامعه آماری استان فارس روشن سازیم.

چهارم) در صورت بروز خسارت ناشی از انجام وظیفه نیروی انتظامی مسئول جبران خسارت را مشخص سازیم.

پنجم) با توجه به پراکندگی قوانین موجود در خصوص مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی دسته‌بندی درست و دقیق از این قوانین و کاکرد آنها ارائه نماییم.

ر) سؤالات و فرضیه‌های تحقیق

سؤالات



یکم) آیا ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ برای توجیه مسئولیت مدنی پرسنل ناجا کافی است یا نیازمند قانونگذاری در ارتباط با موضوع فوق هستیم؟

دوم) آیا پرسنل نیروی انتظامی با رعایت دقیق موازین حقوق شهروندی قادر است به طور مطلوب از عهده کشف جرایم و انجام تکالیف خود برآید؟

سوم) آیا میان نقش بیش از پیش پرسنل نیروی انتظامی در برخورد با جرایم و حفظ نظم و امنیت داخلی کشور با افزایش خسارات وارده توسط آنها رابطه اجتناب‌ناپذیری وجود دارد؟

فرضیه‌ها

یک: ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ برای توجیه مسئولیت مدنی پرسنل ناجا کافی نیست.

دو: در برخی جرایم از جمله جرائم علیه امنیت ملی کشور، رعایت دقیق حقوق شهروندی به کشف به موقع و انجام تحقیقات مقدماتی لطمه وارد می‌آورد.
سه: رابطه اجتناب‌ناپذیری بین افزایش نقش نیروی انتظامی در برخورد با جرایم و حفظ امنیت جامعه با افزایش خسارت‌های ایجاد شده توسط آنها وجود دارد.

ز) قلمرو پژوهش (از نظر موضوعی، زمانی و مکانی)

از نظر موضوعی، پژوهش حاضر به مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی می‌پردازد و از نظر مکانی تمرکز پژوهش حاضر بر پرسنل نیروی انتظامی و به طور نمونه جهت بررسی استان فارس و از نظر زمانی بعد از تصویب قوانین نیروی انتظامی و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مورد نظر می‌باشد.

س) چارچوب نظری تحقیق

برای ارائه هر چه بهتر تحقیق حاضر مطالب مورد بحث در چهار فصل ارائه خواهد شد تا به خوبی به همه مطالب پرداخته شده و نتیجه بهتری حاصل گردد.
فصل اول تحقیق حاضر، به بررسی کلیات و مفاهیم حاضر در زمینه مورد بحث خواهد پرداخت. مفاهیم مسئولیت مدنی و تفاوت آن با مسئولیت کیفری و مسئولیت اخلاقی و مسئولیت قراردادی، همچنین مفهوم دولت و سازمان‌های تابعه، مفهوم پلیس و حفظ نظم و امنیت جامعه و همچنین مفاهیم خسارت و دیه در این قسمت مورد بررسی قرار می‌گیرند.
فصل دوم به بررسی و تحلیل ارکان و شرایط مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی به عنوان یک مسئولیت مدنی شخصی پرداخته شده است.

فصل سوم به بررسی موانع مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی پرداخته شده است تا روشن گردد چه موانعی سبب می‌شود که مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی زائل گردد یا از اساس شکل نگیرد. البته در همین فصل در گفتاری مجزا پس از بررسی موانع مسئولیت پرسنل ناجا، شیوه‌های جبران خسارت نیز آورده شده است.

فصل چهارم تحقیق حاضر نیز به بررسی راهکارهایی در رابطه با اصلاح قوانین موجود و همچنین کاهش هر چه بیشتر استفاده از بودجه ناجا جهت پرداخت خسارات خواهد پرداخت. نیز به بیان دلایل افزایش خسارات وارده توسط پرسنل نیروی انتظامی در فارس اختصاص دارد. در پایان نیز نتیجه‌گیری تحقیق حاضر ارائه خواهد گردید.

ص) پیشینه تحقیق

در خصوص مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی ناشی از انجام وظایف آنها تاکنون در حقوق ایران تحقیقی جامع صورت نگرفته است. با بررسی پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و همچنین کتب موجود در باب مسئولیت مدنی این موضوع به اثبات خواهد رسید. به نظر می‌رسد دغدغه نویسندگان حقوقی مسائلی مانند مسئولیت مدنی پزشکان، وکلاء، معماران و امثالهم باشد و مسئولیت مدنی نیروی انتظامی که دارای اهمیت بسیاری در جامعه می‌باشد و بررسی آن موجب حل بسیاری از مسائل و مشکلات در رابطه با این سازمان مهم و اساسی که مهمترین مرجع حفظ نظم و امنیت در جامعه است، خواهد گردید.

به اولویت مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی در استان فارس که با توجه به آمارهای موجود در صدر استان‌های کشور از لحاظ بروز چنین مسئولیت‌هایی قرار دارد، مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته و از این لحاظ مواجه با خلاء و کمبود هستیم. همانطور که گفته شد در حقوق ایران در ارتباط با نیروی انتظامی قانون نیروی انتظامی مصوب ۱۳۶۹/۰۴/۲۷ وجود دارد که در این وظایف نیروی انتظامی به صورت مبسوط ذکر شده، منتها ذکر از مسئولیت مدنی نیروی انتظامی به میان نیامده است و گوئی قانونگذار همان قواعد عام مسئولیت مدنی را بر نیروی انتظامی نیز حاکم دانسته باشد. حال آنکه نیروی انتظامی با توجه به مسئولیت‌های خاص خود نیازمند قانون صریح در زمینه مسئولیت مدنی پرسنل خود است.

در قانون به کارگیری سلاح توسط مأمورین نیروهای مسلح در موارد ضروری مصوب ۱۳۷۳/۱۰/۱۸ نیز مقررات تیراندازی مأمورین از جمله پرسنل نیروی انتظامی ذکر گردید. و ماده ۱۲ همان قانون مذکور داشته مأموریتی که با رعایت این قانون مبادرت به کارگیری سلاح نمایند از این جهت هیچ گونه مسئولیت جزائی یا مدنی نخواهند داشت.

البته باید توجه داشت که ذکر چنین عبارت کلی نمی‌تواند راهگشای حل مسائل عدیده در زمینه تیراندازی مأمورین نیروی انتظامی باشد چه اینکه پرونده‌هایی در این زمینه در محاکم علیه نیروی انتظامی مطرح است که کارشناسان مدیریت حقوقی را با چالش‌های فراوان روبرو کرده است و تنها با این عبارات کلی نمی‌توان از عهده حال مسائل پیچیده در این زمینه برآمد.

البته قانون دادرسی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۴/۰۲/۲۲ نیز در ماده یک تنها اشاره کرده که رسیدگی به جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی و انتظامی اعضاء نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بر طبق مواد این قانون در صلاحیت دادگاه‌های خاص نظامی است.

شاید بتوان گفت قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح مصوب ۸۲/۱۰/۰۹ مهمترین قانونی باشد که بتوان در زمینه موضوع حاضر به آن اشاره کرد و مباحث را با توجه به آن مورد بررسی قرار داد زیرا در باب خساراتی که به انحاء مختلف از طرف نیروهای مسلح از جمله نیروی انتظامی به سازمان وارد می‌شود مقرراتی دارد. منتها با دقت در این مقررات متوجه می‌شویم که اولاً اموری مانند فروش و حیف و میل و واگذاری اشیاء نظامی و اموال نیروها از این جهت در قانون مورد توجه قرار گرفته‌اند که مجازات آنها و نه نحوه جبران خسارت وارده بر سازمان، تعیین شود و ثانیاً تنها این جرائم در ارتباط با سازمان مورد بررسی قرار گرفته‌اند مثلاً پرسنل نیروی انتظامی هنگامی که این جرائم را بر علیه سازمان متبوع خود انجام دهند مورد تعقیب کیفری قرار می‌گیرند که قانون مذکور حدود مسئولیت کیفری آنان را مشخص نموده است. بنابراین باز هم مواجه با قوانینی اجمالی و حتی ساکت در زمینه مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی هستیم.

با مطالعه کتب موجود در زمینه مسئولیت مدنی در حقوق ایران به این نتیجه می‌رسیم که موضوع مسئولیت مدنی نیروی انتظامی در هیچ کدام از این کتب حتی مورد اشاره هم قرار نگرفته و در تمامی این کتب مسئولیت مدنی کارفرما، پزشکان، وکلاء، معماران و امثالهم مورد توجه بوده است. البته مسئولیت سازمان‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته و کارمندان آنها در این کتب و با توجه به قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ مورد توجه قرار گرفته، منتها به هیچ عنوان برای بررسی مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی کافی نخواهد بود. زیرا همانطور که گفته شد مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی در ارتباط با وظایف آنها باید به طور خاص مورد بررسی قرار بگیرد و با توجه به خاصیت اعمال و وظایف پرسنل نیروی انتظامی نیازمند طرح مباحث مستقل و قانونگذاری جدید در این رابطه هستیم.

کتب مهمی که در حقوق ایران به بررسی مسئولیت مدنی پرداخته‌اند عبارتند از: الزام‌های خارج از قرارداد (ضمان قهری) دکتر ناصر کاتوزیان، مبانی مسئولیت مدنی، دکتر سید مرتضی قاسم‌زاده، وقایع حقوقی (جلد اول حقوق تعهدات) دکتر عبدالمجید امیری قائم مقامی، قلمرو مسئولیت مدنی علیرضا یزدانیان، ضمان قهری دکتر اسداله لطفی، حقوق مدنی (مسئولیت مدنی) دکتر حبیب‌اله طاهری، الزامات بدون قرارداد دکتر حسن ره‌پیک، در هیچ کدام از کتب گفته شده مسئولیت مدنی نیروی انتظامی مورد اشاره قرار نگرفته است. بنابراین برای بررسی مسئولیت مدنی پرسنل نیروی انتظامی ابتدا باید به سراغ بحث مسئولیت مدنی دولت برویم. ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ بدواً مسئولیت مبتنی بر تقصیر کارمندان دولت را